

راضی به رضای دشمن!

در نقد و نظر مخالف

راضی به رضای دوست بودن را که همه ما بلدیم! آیا می‌توان راضی به رضای دشمن هم بود، اگر افکار و نظریات ما را به باد انکار و استهزاء بگیرد؟!؟

این سخن معروف "روسو" را (که سهواً به نام ولتر معروف شده) حتماً شنیده‌اید که: "من حاضریم جانم را بدهم تا تو بتوانی حرفت را بزنی!" احتمالاً این نوشته یکی از کیهانیان را هم که چند سال قبل افاضه فرموده بود خوانده‌اید که: "من حاضریم جانم را بدهم تا تو حرفت را بزنی!"؟!؟

این دو اظهار نظر از دو جهان‌بینی و انسان‌شناسی متفاوت ناشی می‌شود که فاصله آن‌ها از "خود پرستی" تا "خداپرستی" است. آن که با تنگ نظری و تمامیت طلبی حق اظهار نظر و آزادی را فقط برای خود و خودی‌ها می‌خواهد، طبیعی است که بگوید: "در برابرم قرار نگیرید که ترزو فرمان بریده‌ام!!" نمونه‌های چنین تفکری را در فیلم‌های وقایع اخیر تهران و یزد دیده‌ایم که چگونه با خونسردی آدم زیر می‌کنند و به اصطلاح ککشان هم نمی‌گذرد!؟

اما آن که آزادی را برای دیگران هم می‌پذیرد، موهبت "اختیار و انتخاب آزاد" را ملک موروثی خود نمی‌داند و سهم مشاع دیگران را نیز به رسمیت می‌شناسد و می‌داند که در تبادل آراء و تضارب افکار است که آدمی آبدیده می‌شود. در این دیدگاه، دشمن هم مورد استقبال قرار می‌گیرد و به او میدان داده می‌شود.

نگاه کنید به بخشی از وصایای "ویکتور هوگو" به دخترش:

"برایت آرزو مندم که دشمن نیز داشته باشی، نه کم و نه زیاد، درست به اندازه، تا گاهی باورهایت را مورد پرسش قرار دهند، که دست کم یکی از آنها اعتراضش وارد باشد، تا که زیاده به خودت غره نشوی، همچنین برایت آرزو می‌کنم صبور باشی، نه با کسانی که اشتباهات کوچک می‌کنند، این کار ساده‌ای است، بلکه با کسانی که اشتباهات بزرگ و جبران ناپذیر می‌کنند. تا با کاربرد درست صبوری‌ات برای دیگران نمونه شوی".

در ارتباط با میدان دادن به مخالفان، زنده یاد شریعتی، دو نوع تعریف از اسلام ارائه می‌کند:

فاشیسم می‌گوید: نانت را من می‌خورم، حرفت را هم من می‌زنم، تو فقط برای من کف بزنی، اسلام دروغین می‌گوید "تو نانت را بیاریده به ما، ما قسمتی را جلویت می‌اندازیم و تو حرف بزنی... اما حرفی که ما می‌گوئیم. و اسلام حقیقی می‌گوید: نانت را خودت بخور، حرفت را هم خودت بزنی، من برای اینم که به حقات برسی.

آزادی اظهار نظر برای دیگران قائل شدن، یک مسئله است و تحمل آزادی‌رد و انکار و مخالفت و مبارزه فکری با افکار شما، مسئله‌ای دیگر و بالاتر که نیازمند سعه صدر فوق العاده و صبر و شکیبائی شکوهمند در برابر مخالفین است.

به بهانه میلاد رحمة للعالمین، که مهرش موافق و مخالف را در بر می‌گرفت، از این زاویه نگاهی به توصیه‌های ربّ به آن رهبر دینی و سیاسی، در ارتباط با تحمل مخالفین می‌کنیم تا توشه‌ای برای طریق سبز باشد و تحفه‌ای برای آنان که تحمل شنیدن "تو" را هم از مردم ندارند!

مخالفان پیامبر اصل و اساس و کل پیام او را منکر بودند و با این حال باید تحمل می‌شدند، آن هم در نظامی قبیله‌ای در چهارده قرن قبل، که هنوز مفهوم آزادی متولد نشده بود، و ما امروز پس از ۱۴ قرن در آغاز قرن بیست و یکم و هزاره سوم، در روزگار آزادی و انفجار اطلاعات، هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم؛ کوچه باریک و تنگ و تاریک و بن بست و لایبیت مطلقه فقیه!!

توصیه‌هایی که به پیامبر اسلام، به عنوان رهبر سیاسی ایدئولوژیک!! جامعه در تحمل مخالفین عقیدتی شده، آنچنان جدی و بعضاً تهدیدآمیز است که برخی از مفسرین آنها را از قبیل: "به درمی‌گویند تا دیوار بشنود!" تلقی کرده و گفته‌اند مخاطب اصلی این آیات مؤمنین هستند (نه خود پیامبر!) اما ظاهر آیات شخص پیامبر را مستقیماً مخاطب قرار داده و پیش و پیش از

پیروان، در پی پرورش روح و روان اوست. اصولاً لحن قرآن در باره آن رسول مکرم ﷺ بیش از تعریف و تمجید و تجلیل و تعظیم (که عادت بشری است)، لحن تربیت و تعلیم و تذکر و تنبیه و حتی تهدید و توبیخ دارد (۱).

در هر حال پیامبر هم با تمام مقام عظیمش، بشری بود مثل بقیه انسان‌ها با همه احساسات و عواطفی که در برابر دوست و دشمن و موافق و مخالف عکس‌العمل متفاوت بروز می‌دهند. این توصیه‌ها برخی هشدار است به تنگ دلی در تحمل مخالف (ضیق صدر) و برخی دیگر، فرمانی به صبر و شکیبائی در برابر سخنان ناهنجار یا عملکرد نا صواب آنها. به شرح ذیل با ترجمه آیات مورد نظر:

الف) هشدار به تنگ دلی

هود ۱۲- مبدا از این که می‌گویند چرا گنجی (از طرف خدا) بر او نازل نشده یا فرشته‌ای (برای تأیید رسالت) همراهش نیامده، دلگیر شوی و پاره‌ای از آنچه به تو (در ارتباط با آزادی منکرین) وحی می‌شود نادیده بگیری (بدان که) تو فقط هشدار دهنده‌ای (نه وکیل)؛ و تنها خداست که کارگزار هرکاری است.

حجر ۹۷- ما می‌دانیم که از گفتار (مخالفت آمیز) آنها افسرده می‌شوی، پس (به جای ناراحتی)، پروردگارت را (در آزادی دادن به مخالفین) ستایش کن و از سجده‌گذاران (تسلیم شدگان به مشیت آزادی) باش.

نمل ۷۰- از (انکار) آنها اندوهگین نباش و از مکر آنها در تنگ دلی (ناشکیبائی) نباش.

نحل ۱۲۵ تا ۱۲۸- با فرزاندگی و سخن نیکو (مخالفان را) به راه پروردگارت دعوت کن. و به بهترین شیوه با آنها به گفتگو بنشین، بی‌تردید پروردگارت نسبت به گمراهان و راه یافتگان آگاه تر است (نباید تعصب و رزید و به جای خدا نشست!) اگر هم می‌خواهید عکس‌العملی نشان دهید، به همان اندازه (نه انتقامی) باشد. ولی اگر شکیبائی ورزید (تحمل کنید)، این شیوه برای شکیبایان بهتر است. شکیبا باش که شکیبائی‌ات در راه خداست. از (انکار) آنها نیز اندوهگین مباش و از مکرشان هم دل تنگ (بی‌تحمل) مشو، بدان که خداوند حامی خویشتن داران و نیکورفتاران است.

انعام ۳۳ تا ۳۵- ما می‌دانیم که گفتار منکران تو رادگیر می‌کند، آنها در واقع تو را تکذیب نمی‌کنند، بلکه این ستمگران آیات خدا را دانسته انکار می‌کنند (مسئله را شخصی تلقی نکن) قبل از تو نیز پیامبرانی مورد تکذیب قرار گرفتند که پاره‌ای از اخبارشان را شنیده‌ای، آنها در برابر همه تکذیب‌ها و آزاری که به آنان می‌رسید پایداری کردند تا سرانجام یاری ما فرارسید. برنامه و سنت الهی هیچ تغییر دهنده‌ای ندارد. حال اگر روی گردانی منکران بر تو سنگین و ناگوار است (خونسرد و شکیبا باش، و اگر فکر می‌کنی شاید با معجزه‌ای بتوان آنان را هدایت کرد) اگر می‌توانی نقی در زمین یا نردبانی به آسمان بزنی و معجزه‌ای بیاوری!! (این را بدان که) اگر خدا می‌خواست همه مردم را به راه هدایت (به اجبار) جمع می‌کرد. پس در زمره جاهلان مباش!

ب) شکیبائی در برابر سخن مخالفین

در قرآن ۱۹ بار، در ارتباط با گفتار ناهنجار مخالفان و دشمنان، فرمان "اصبر" (تحمل کن، شکیبا باش) به پیامبر، و به واسطه او به مسلمانان، داده شده است که بسیار پندآموز است! جالب این که کاربرد کلمه "صبر" تقریباً در تمامی این موارد، در تحمل مخالفین است، نه پایداری در جنگ و ستیز با آنها. به نمونه‌های زیر در برخی آیات توجه کنید:

مزم ۱۰- بر آنچه می‌گویند شکیبا باش و به زیبایی از آنان درگذر.

ص ۱۷- بر آنچه می‌گویند شکیبا باش و بنده نیرومند ما (در تحمل مخالفین) داود را بیاد آور که بسیار بازگشت کننده (از احساس خشم به عقل) بود.

روم ۳۰- بر حکم (داوری نهائی) پروردگارت شکیبا باش و مبدا منکرانی که باور یقینی ندارند ترا به سبکی وادارند (به جای سنگینی تحمل و وقار از کوره در روی).

راستی چگونه می‌توان از توهین و تمسخر و انکار و استهزای منکران به خروش نیامد، تعصب دینی نورزید و سنگینی شخصیت را به سبکی رفتار و اکنشی به باد خشم نسیار داد؟!

به نظر می‌رسد مادام که در جهان بینی و انسان شناسی محدودی اسیر هستیم، نمی‌توانیم از غلبه قهر و غضب آزاد شویم و بر احساسات خود به نیروی حلم و علم مسلط گردیم. توضیح آنکه ما در دنیای پیرامون خود با نظامات سیاسی و فرهنگی سلطه‌گری خوگرفته‌ایم که مخالفت را بر نمی‌تابند، به خصوص در مشرق زمین که هزاره‌هاست در سایه سلاطین سرکوبگر اداره شده،

این خصلت در آحاد جامعه نهادینه و تثبیت شده است. البته در مغرب زمین هم وضع به همین منوال، بلکه بدتر بوده است، اما وقتی نسیم آزادی، دموکراسی و حقوق بشر بعد از رونسانس، وزیدن گرفت، آهسته آهسته نفوس آماده تغییر و تحمل شدند، گرچه هنوز راه درازی تا ایده آل انسانی در پیش است، اما در مقام مقایسه، حق مخالف در جوامع غربی بیشترجا افتاده و بیشتر مورد پذیرش توده‌های مردم قرار گرفته است.

تعالیم پیامبران نیز تماماً بر چنین گذشت و سعه صدری در تحمل مخالفین تکیه داشته است، کسانی که با تعالیم حضرت عیسی در انجیل آشنائی دارند، فرازهای بسیار زیبایی را در این زمینه تلاوت کرده‌اند. قرآن که در دوران رشد عقلانیت بشر نازل شده است، بر این اصل انسانی، به خصوص در توصیه به پیامبر در ابلاغ رسالت، تأکید فراوان‌تری کرده است.

کلید اصلی درگشودن گره درگیری و مجادلات لفظی با مخالفین، تغییر نگاه به نقش مخالف و شناخت تأثیر مثبتی است که در بلند مدت پدید می‌آورد. ما از آنجائی که در نظامات بشری با دفع و طرد مخالف خو گرفته‌ایم، چنین تصویری را به نظامات خدائی هم تعمیم و تسری می‌دهیم و چون خواننده یا شنیده‌ایم خداوند دشمنانش را در آخرت عذاب می‌کند، ما هم، بی‌خبر از فلسفه وجود تفاوت‌ها که چرخ حیات و حرکت و کمال است، می‌خواهیم به نیابت از خدا با هرکسی که با عقاید ما مخالف است، دشمنی کنیم. در حالی که موهبت "اختیار" و حق انتخابی که خداوند به انسان عنایت کرده است، ایجاب می‌کند در قلمرو فکر و اندیشه و مذهب و مرام، آزادی مطلق برقرار باشد و سرنوشت هرکس به دست خودش رقم زده شود.

خداوند چنین تغییر نگاهی را، از دنیای بی حساب و کتاب مناسبات بشری به نظم حکیمانه گردش شب و روز، به پیامبری که از آزادی مشرکین و کفار در انکار توحید، نبوت و قیامت ناراضی و دل تنگ است، توصیه کرده تا اگر گمان می‌کند آزادی دشمنان حق عیب و ایرادی در نظام توحیدی تلقی می‌شود، در نمازش با تغییر زاویه دید خود از زمین به آسمان، ملک خدا را از افقی بالاتر در گردش شب و روز و تحولات آن در مقاطع طلوع فجر و غروب آفتاب و گاه‌های دیگر مشاهده کند و بی عیب و نقص بودن این نظام و گردانده‌اش را تسبیح گوید. در این صورت بر آزادی مخالفین "راضی" خواهد شد.

طه ۱۳۰- بر آنچه می‌گویند شکیبای باش و قبل از برآمدن آفتاب و قبل از فرودنش پروردگارت را با نگاهی تحسین آمیز تسبیح کن (گرداننده این نظام رابی عیب و نقص شمار). همچنین درپاره‌ای از شب و بخشی از روز را به ستایش بپرداز، باشد تا راضی شوی.

توجه به تفاوت موقعیت‌های شب و روز در ساعت‌های مختلف، که حکمت حرکت و حیات و فصول و فراوانی را پدیدآورده، مدل و مثالی است برای فهم ضرورت این تفاوت‌ها در جوامع انسانی که علاوه بر آیه فوق شواهد بسیار، از جمله چند مثال زیر دارد:

ق ۳۹- بر آنچه می‌گویند شکیبای باش و پروردگارت را قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب با نگاهی تحسین آمیزی عیب شمار. همچنین بخشی از شب و نیز به دنبال سجده‌ها چنین کن!

فرقان ۵۸- بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد تکیه کن، و با نگاه تحسین او رابی عیب و نقص شمار. در اطلاع داشتن از گناهان بندگانش خدا کافی است (نیازی به مراقبت کسی نیست).

مؤمن ۵۵- بر تحقق وعده پروردگارت شکیبای باش و از آثار گناهان خویش طلب پاکی بجوی و در شبانگاه و ابتدای روز با نگاهی تحسین آمیز او را بی‌عیب و نقص شمار.

طور ۴۸- برای تحقق حکم پروردگارت شکیبای باش، چرا که تحت نظر مائی و هنگامی که از خواب برمی‌خیزی و قسمتی از شب را بی‌عیب بودن او را با نگاه تحسین بنگر و همچنین هنگام غروب ستارگان (نزدیک طلوع فجر).

انسان ۲۴ تا ۲۶- برای حکم پروردگارت شکیبای باش و از هیچ گناهکار یا ناسپاسی از آنها اطاعت نکن. نام پروردگارت را بامداد و شبانگاه یاد کن و پاره‌ای از شب را برای خدا سجده کن و بخشی بلند از شب رابه تسبیح (بی‌عیب و نقص شمردن) او بپرداز.

عبدالعلی بازرگان

۹ اسفند ماه ۱۳۸۸

برابر با ۲۸ فوریه ۲۰۱۰